

دیوان اشعار (بسمل در مسیل عشق)

www.ketab.ir

غزلی تیموری

www.ketab.ir



سرشناسه : تیموری، غلامعلی، ۱۳۱۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : دیوان اشعار (بسمل در مسیل عشق) / غلامعلی تیموری.
 مشخصات نشر : تربت حیدریه: چشم انداز قطب، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۵۵۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۳۰۰۶۱-۱ ریال
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی :
 موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
 موضوع : Persian poetry -- 20th century
 رده بندی کنگره : ۶۳/۱۴۸
 شماره : ۵۱۲۷۷۲۳
 کتابشناسی ملی : /۱۸۵۴۵۹ ۱۳۹۷۸۰۰۱ PIR

دیوان اشعار



نویسنده : غلامعلی تیموری

ناشر : انتشارات چشم انداز طب

تیراژ : ۲۰۰۰

نوبت چاپ : اول

تاریخ چاپ : ۱۳۹۷

چاپ : یوننا

قطع : وزبری

تعداد صفحات : ۵۵۰

قیمت : ۴۰۰۰ ریال

شابک :

۹۷۸	۶۰۰	۶۹۳	۰۶۱	۱
-----	-----	-----	-----	---

آدرس: تربت حیدریه، خیابان رازی، ر

تلفن: ۰۹۲۲۳۵۷۹۱۰۹ - ۰۹۱۵۳۳۲۸۵۱۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴۳	مقدمه
۶۲	شروع به شرح زندگی سراسر به ناکامی و نامرادی به پای عشق و عاشقی
۶۴	مناجات به کتاب تاضی الحاجات
۶۶	در شرح وفاداری و در پیاری، قلم
۶۸	شروع به قصه‌ی زندگی
۷۰	القبای عشق از حرف دال تا حرف ی
۷۰	ایضاً القبای عشق از حرف الف تا حرف با
۷۵	اولین شب مصادف شدن با حضرت خلیفه (قدس سر)
۷۷	رجوع به قصه زندگی و رفتن به ترکمن صحرا جهت کار به سال ۱۳۰۰
۷۸	صاحب زمین حاجی مراد قلیچ نام داشت شاید مرده باشد خدا بیامزدش
۷۹	پس آمدن از ترکمن صحرا به مشهد مقدس
۸۰	پس آمدن به خانه و آمدن حضرت خلیفه به گندمشاد به دیدن حقیر
۸۱	رفتن به دشت کرات جهت کارمزدی یا دهقانی ۱۳۴۱
۸۲	پس آمدن به دشت پل بند به سر چاه های تپهی شاه عباس

- خبر شنیدن فوت حضرت خلیفه (قدس سره) ۱۳۶۳/۲/۲۴ ۸۳
- بازگشت به قصه‌ی زندگی ۸۵
- در بیان اشاره به انبیا و اولیا که در ملک وجود حکم درک و شعور و باقی جوارح فعال را دارند ۹۲
- اشاره به کوتاه بینی اهل صورت از رمز سیرت که در صورت پنهان است ۹۴
- جواب از ایمان مجید به کوتاه فکران تنگ دید ۹۴
- اشاره به بیچونی عالم احواح و خواب حضرت یوسف ۹۵
- شکوه از ناملايمات روزگ ۹۶
- برداشتن کوله بار غم به عزم زیارت دارگری به جانب مشهد مقدس سال ۱۳۶۵ ۹۹
- سفری به زاهدان همراه چهل نفر که تقریباً بی نثر از علما بودند در تاریخ تیر ۱۳۶۴ ۱۰۵
- بلبلی در فراق گل تاریخ نظم ۱۳۶۴ ۱۰۸
- سؤال کردن شخصی از مجنون که چه نام را دوست داری تاریخ نظم ۱۳۷۱ ۱۱۰
- مطربی تاریخ نظم ۱۳۷۳ ۱۱۱
- حکایت مصادف شدن روباه با شغال متکبر در دامنی از کوهستان تاریخ ۱۳۶۵ ۱۱۳
- جواب روباه به شغال ۱۱۳
- اعتراض شغال بر روباه ۱۱۵
- بیان کردن شغال شماری از دانش خود را به روباه ۱۱۵

- ۱۱۶ مثالی که هر فقیر را حقیر نباید شمرد
- ۱۱۷ گفتگوی روباه با شغال به چاره جوئی جهت نجات
- ۱۱۷ تن زدن شغال در پیش روباه از خوف گرگ
- ۱۱۸ استقبال کردن روباه گرگ را و به طمع لقمه های چرب تر او را به دام خود کشیدن
- ۱۱۹ حکایت ماگک چرسی به شهر هرات تاریخ نظم ۱۳۶۵
- ۱۲۵ حکایت زین حضرت موسی؛ به کوه طور و پیغام فرستادن حاسد تاریخ نظم ۱۳۶۴
- ۱۲۷ حکایت صاحب دلی مسافر در زمستان از بی جایی به مسجدی خزید تاریخ نظم ۱۳۶۴
- همسفر شدن رهگذری به جنوار و سرگان او را نیش زدن و مجنون را نوازش کردن تاریخ نظم
- ۱۲۹ ۱۳۶۹
- ۱۳۱ حقیقتی دور از انتظار و انتظاری دور از حقیقت تاریخ نظم ۱۳۷۰
- ۱۳۳ حکایت شخصی که حال پدرش را پرسیدم و جواب وی تاریخ نظم ۱۳۶۳
- دو برادر در طریقت که هر کدام از جائی که هم را نمی شناختند با هم رفیق شدند به
- ۱۳۵ زیارت پیرشان که یکی بود می رفتند
- ۱۳۵ تاریخ نظم ۱۳۶۷
- در یکی از صبحهای بهار در باغی پای گلبنی بودم شخصی وارد شد شروع به تعریف بهار کرد
- ۱۳۷ ۱۳۶۴ تاریخ نظم

اعتراض شغال از نام خویش و رفتن به نزد سلطان جنگل تاریخ نظم ۱۳۶۶..... ۱۳۸

در فروردین ۱۳۶۳ تقریباً سه ماه قبل از فوت حضرت خلیفه که حقیر در سنین پنجاه سالگی بودم

یک باره حالت سوز و دردی زمزمه آمیز و شعر مانند به حقیر دست داد و سر و کارم را به قلم و

کاغذ کشانید و اولین نوشته ام همین ناله ی دل است..... ۱۴۱

حکایت مجنون که از خداوند به جای روز همه شب می خواست..... ۱۴۸

تاریخ نظم ۱۳۶۷..... ۱۴۸

مباحثه ی حوافر و باخرزی بر سر افتخار کردن از تمدن و وطن خویش تاریخ نظم ۱۳۷۶..... ۱۴۹

ابلهی که به خیال با اخیشر نام غازیان صدر اسلام هر روز با اسب و شمشیر بیرون می شد

به صحرا و می افتاد به جادو خا هائی که به زبان محلی کله کافر می گویند به جای کافر

می زد..... ۱۵۰

تاریخ نظم ۱۳۷۲..... ۱۵۰

حکایت شیر فروشی در بازار تاریخ نظم ۱۳۶۵..... ۱۵۱

سؤال مریدی از شیخ که آیا دوست به مقامی می رسد که مثل..... ۱۵۳

برادر شود..... ۱۵۳

تاریخ نظم ۱۳۶۹..... ۱۵۳

اشاره به دوستی الله تبارک و تعالی و حکمت حدیث «کُنْتُ كَثْرًا مَخْفِيًا»..... ۱۵۵

برگ سبز تاریخ نظم ۱۳۶۴..... ۱۵۶

- ۱۵۹ ثنا و صفت الله تعالى شأنه تاریخ نظم ۱۳۶۳
- ۱۶۱ ایضاً حمد و ثنای خداوند تعالی جل شأنه در رمضان المبارک ۱۳۷۰
- ۱۶۵ مناجات به جناب قاضی الحاجات رمضان ۱۳۷۸
- به تاریخ اردیبهشت ۱۳۶۶ جواب نامه ی دوست ادیب و فاضلم آقای قوماندان گل احمد خان شیدا مهاجر افغانی که در بین راه کنار چشمه ها میان گل و سبزه به نثر نوشته بودند که صد بار از نظر بهتر بود؛ یادش بخیر..... ۱۶۸
- ۱۷۱ وصیتی به درستان نام شکره ای از نامرادی
- ۱۷۱ تاریخ نظم ۱۳۶۷
- به تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۷۳ یحیی از دست هم درد به نام آقای احمد طلائی به عزم فرار از غم به غمخانه ی حقیر می آید و حقیر راسی بیند ادا نمکین تر به غمکده ی خویش بر می گردد چون که حقیر هم از غم به جان آمده بودم از غمخانه ی خویش به غم زارهای دیگر پناه برده بودم..... ۱۷۳
- ۱۷۴ طعنه ی خاریشت به سنگ پشت تاریخ نظم ۱۳۶۴
- ۱۷۵ ساقی نامه تاریخ نظم ۱۳۶۶
- ۱۷۸ جهت کتابهای حضرت پیر ما حاجی شاه عیدالله مجددی تاریخ نظم ۱۳۸۳
- ۱۷۹ ایضاً جهت کتاب جامع السلوک تاریخ نظم ۱۳۸۳
- ۱۸۰ ایضاً جهت کتاب نغمه عشاق ۱۳۸۳

- خرقه پوشیدن پیر ما حضرت حاجی شاه سید عبدالله مجددی بعد از فوت عم بزرگوارشان
 حضرت محمد مظهر مجددی قدس سره اول فروردین ۱۳۷۷ شمسی ۱۸۱
- صفتی به عین الیقین تاریخ نظم ۱۳۸۳ ۱۸۱
- پیران پرچمن تاریخ نظم ۱۳۷۷ ۱۸۲
- احقر الفقرا و خادم الخلفا غلامعلی تیموری. هفتمین سحر رمضان المبارک ۱۳۸۷/۶/۱۸ ۱۸۳
- از الله و ملائکته سلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما ۱۸۴
- تاریخ نظم ۱۳۷۰ ۱۸۴
- وصف حبیب از زبان محراب ۱۸۴
- مشایخ طریقه علیه نقشبندیه مجدییه تاریخ نظم ۱۳۸۴ ۱۸۵
- اشاره ای از سبقات طریقه ی عالی ی نقشبندیه ۱۸۸
- سبق اول لطیفه «قلب» ۱۸۹
- سبق دوم لطیفه «روح» ۱۸۹
- سبق سوم لطیفه «سر» ۱۹۰
- سبق چهارم لطیفه «خفی» ۱۹۰
- سبق پنجم لطیفه «اخفی» ۱۹۰
- سبق ششم لطیفه «نفس» ۱۹۰
- سبق هفتم «سلطان الاذکار» ۱۹۱

۱۹۸.....سبق بیست و چهارم

۱۹۹.....سبق بیست و پنجم

۱۹۹.....سبق بیست و ششم

۲۰۰.....سبق بیست و هفتم

۲۰۱.....سبق بیست و هشتم

۲۰۱.....سبق بیست و نهم

۲۰۱.....سبق سی ام

۲۰۲.....سبق سی و یکم

۲۰۳.....سبق سی و دوم

۲۰۳.....سبق سی و سوم

۲۰۴.....سبق سی و چهارم

۲۰۴.....سبق سی و پنجم

۲۰۵.....سبق سی و ششم

۲۰۵.....سبق سی و هفتم

۲۰۶.....سبق سی و هشتم

۲۰۶.....سبق سی و نهم

- ۲۰۷ سبق جهلم
- ۲۰۷ حاجی احمد
- ۲۰۸ تقدیم به نئی های نیستانی که هرگز شرح نشد ۱۳۹۵
- ۲۰۹ هفت وادی و هفت خوان نظم ۱۳۹۵
- ۲۱۰ مراحل عشر نظم ۱۳۹۵
- ۲۱۱ عرض تشکری از زبان نئی
- ۲۱۲ متفرقات
- ۲۱۲ هو الحی القیوم
- ۲۱۳ حمد و ثنای الله
- ۲۱۴ یاران دیرین تاریخ نظم ۱۳۶۴
- ۲۱۵ داستان دوستان
- ۲۱۵ به یاد یاران تاریخ نظم ۱۳۶۹
- ۲۱۶ به تاریخ ۱۳۶۷ به یاد سالهائی که همراه دوستان به زیارت می رفتیم یادش شیرین
- ۲۱۶ یادی از بسطام
- ۲۱۷ خان کاکا تاریخ نظم ۱۳۶۴
- ۲۱۷ قاصدی به یاران تاریخ نظم ۱۳۶۴

- عشق کبود کانه صنعان و غزال تاریخ نظم ۱۳۹۰..... ۲۱۸
- غزل..... ۲۱۸
- کوی عزیز..... ۲۱۹
- گله از یاران فروردین ۱۳۶۴..... ۲۱۹
- به یاد دوست صوفی ملا عبدالعزیز به عزم روستای سوران یادش..... ۲۲۰
- بخیر فروردین ۱۳۶۲..... ۲۲۰
- پرواز دل به سوی سوسن به نیت دیدار حضرت صوفی عبدالعزیز فروردین ۱۳۶۵..... ۲۲۰
- در فراق عزیز (رحمه الله علیه) تاریخ نظم ۱۳۸۰..... ۲۲۰
- به سر مزار حضرت خلیفه ندیم (قدس الله علیه) تاریخ نظم ۱۳۷۴..... ۲۲۱
- در فراق سه بزرگ تاریخ نظم ۱۳۸۱..... ۲۲۱
- در فراق حضرت پیر ما شاه محمد مظهر (قدس الله سره)..... ۲۲۲
- تاریخ فوت خلیفه به حساب ابجد..... ۲۲۲
- به سر مزار عارفی وارسته از خلق و پیوسته به حق مرحوم خلیفه سعید محمد معصوم..... ۲۲۳
- تأسف..... ۲۲۳
- به یاد حضرت خلیفه..... ۲۲۴
- فوت حضرت فاطمه رضی الله عنها تاریخ نظم ۱۳۸۰..... ۲۲۴

- ۲۲۴ به عرفای جام تاریخ نظم ۱۳۷۹
- ۲۲۵ تقدیم به دوست کوچکم پارسا تاریخ نظم اردیبهشت ۱۳۸۴
- ۲۲۶ سیر ندیدم تاریخ نظم ۱۳۸۸/۷/۷
- ۲۲۷ بیان بی لب تاریخ ۱۳۸۳
- ۲۲۷ هفت طاق هفت جفت تاریخ نظم ۱۳۸۴
- ۲۲۸ گزیده وفا
- اظهار تأسفی از ۱۶ تن از باران جلسه ی منوی مشهد که در یکم بهمن ۱۳۹۰ دسته جمعی به
- ۲۲۸ قایقی غرق شدند
- ۲۲۹ دختر نیکوکار تاریخ نظم ۱۳۹۲
- ۲۲۹ تبریک عید
- در زمستان ۱۳۶۷ که آقای رمضان میرزائی از آرسای پلنا به سفر جماعت چهار ماهه بود
- دختری داشت به نام پروانه که در حقیقت به گرد دوستان در پاریس بوده خصوصاً به این
- حقیر. به اندک مرضی که شاید از فراق پدر فوت کرد با تأسف از مآک وی چند کلمه ای
- ۲۳۰ نوشته آمد یادش بخیر
- ۲۳۱ به یاد روزهایی که با احمد طلانی در باغات ارزنه بودیم. تاریخ نظم ۱۳۷۸
- ۲۳۱ پرده ی اخاذی تاریخ نظم ۱۳۷۷
- ۲۳۲ به گورستان طیبات تاریخ نظم ۱۳۶۷

- ۲۳۳ صدا و سیما تاریخ نظم ۱۳۷۳
- ۲۳۳ فصل نسق تاریخ نظم ۱۳۶۷
- ۲۳۴ در پی نان نظم ۲۵ مهر ۱۳۶۹
- ۲۳۴ نسقهای در نسق تاریخ نظم ۱۳۶۶
- ۲۳۵ کشاورزی کار تاریخ نظم ۱۳۶۷
- ۲۳۵ استعمار ۱۳۶۷
- ۲۳۶ به تاریخ آبان ۱۳۶۷ با همه روزه و آمد یک ماه نسق تمام شد و دهقانی نصیب حقیر نشد
- ۲۳۶ جامه ی ارباب پسند
- ۲۳۶ سیلی رد تاریخ نظم ۱۳۶۸
- ۲۳۶ نسق و نسقها تاریخ نظم ۱۳۶۸
- ۲۳۷ گول گفتار مورخه ۱۳۶۸
- در مهر ماه سال ۱۳۶۸ که مرا بعد از هشت سال دهقانی بدون خطبه جرم آنکه چابکوس نبودم با هشت سر عایله دهقان نکردند از بیکاری مجبور شدم به روستای نصرت آباد آیم و تن به امید خدا سپردم
- ۲۳۷ خدا سپردم
- به تاریخ ۱۳۶۷ یک ماه به چندین بار میرفتم وعده دهقانی میدادند ولی در آخر چه بگویم از آنچه گذشت و میگردد
- ۲۳۸ آنچه گذشت و میگردد

روز اربعین سال ۱۳۷۲ که آخوند ملا ابراهیم مشهور به آخوند دیوانه از مهاجرین افغانی که مدت ده سال را در کنار ما بود خانه ی خود را بار کرده و به افغانستان رفت خدا یارش باد که همدمی بود عارف..... ۲۳۹

به تاریخ ۱۳۶۹/۸/۲۵ رفتن حقیر همراه آخوند ملا ابراهیم به شهر بیرجند جهت دامادی پسر بزرگش گل احمد خُسرش هم گل احمد شیدا نام داشت و خواهر زاده آخوند بود از خانهای سرشناس و قمندان یک جبهه بود دارای دو زن و چند پسر و دختر منزلی که اجاره داشت زیر زمین داشت، حجله عروس را به زیرزمینی و خود در طبقه بالا..... ۲۴۰

در بهار سال ۳۷۱ با تشکر از پیرمرد مهاجر به نام سعدالله که برادر آخوند ملا ابراهیم بود زن و فرزندی نداشت - دم سبزه روستا شد پنج بز داشت یکی از بزهای خود را به ما هدیه داد چون ما چهار بز داشتیم یک بلف بده بود..... ۲۴۰

تشکر از نوه عزیزم حنیفه تاریخ نظر ۲۷/۱۳۷۱..... ۲۴۱

در شادی و غم به تاریخ ۱۳۷۲..... ۲۴۱

سردو یا تاریخ نظم ۱۳۸۱..... ۲۴۲

به تاریخ روز نهم رمضان المبارک ۱۳۷۹ مادر برهان را به مرض سرطان بیمارستان موسی بن جعفر پیش آقای دکتر مسگرانی که خدایش خیر دهداد بردیم. بعد از ایشات گفت این مریض شما سرطانش بد خیم است ده درصد امید بیش نیست به امید خدا عمل میکنیم فقط شما دعا کنید اگر چه ما دعا بسیار کردیم ولی آقای مسگرانی واقعا دست شفا بخشی داشت و حقیر هم در همان ایام که مادر برهان بستری بود ناامیدانه چند خطی نوشتم..... ۲۴۲

ایضاً به گریه خو کن..... ۲۴۳

ایضاً به فقر و فاقه..... ۲۴۳

- به تاریخ ۱۳۷۱/۲/۲۵ اولین ته چین که شاید سهوا به خانه ی حقیر تشریف آوردند با تشکر از ایشان ۲۴۳
- داس و بیل تاریخ نظم ۱۳۷۰ ۲۴۴
- خدایت راضی ای بابا تاریخ نظم سال ۱۳۶۸ ۲۴۵
- مبارک مرگت ای خواهر تاریخ نظم ۱۳۶۹ ۲۴۵
- جای بیل تاریخ نظم ۱۳۶۷ ۲۴۶
- نامه ی سیاه تاریخ نظم ۱۳۷۸ ۲۴۶
- خار کراحت تاریخ نظم ۱۳۸۰ ۲۴۷
- هفتاد سال تاریخ نظم ۱۳۸۳ ۲۴۸
- دست و پای لرزان تاریخ نظم ۱۳۸۴ ۲۴۸
- آدرس غم خانه ی حقیر تاریخ نظم ۱۳۶۸ ۲۴۸
- زهر گگم تاریخ نظم ۱۳۷۱/۱۰/۱۰ ۲۴۹
- به هر کره خر تاریخ نظم ۱۳۶۸ ۲۵۰
- دعا و نصایح به برهان و یزدان و پسر عموهای شان به تاریخ ۱۳۷۴/۹/۱ ۲۵۰
- تشکر از برادر طریقت خسرو سلیمانی که گوش هایش کم شنواتر بود تاریخ نظم ۱۳۷۲ ۲۵۲
- از مادری گل تاریخ نظم ۱۳۶۵ ۲۵۲